

بررسی

تاریخ یک شخص، یک عصر

● رزا لوکزامبورگ یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان انقلابی قرن بیستم، رهبر سوسیالیست و کمونیستی بود که زندگی پرפרازونشییی داشت. زندگی او سرشار از دلبستگی، دل‌گسستن، نبرد در راه منافع طبقات تحت ستم، زندان، تبعید و درگیری با همفکران و اعضای حزب بود و در این راه با نوشتن آثاری ماندگار نام خود را در میان متفکران و انقلابیون قرن بیستم ثبت کرد. تاکنون شرح‌های بسیاری از زندگی او نوشته شده است، برخی از این شرح‌ها به فارسی نیز ترجمه شده‌اند. از جمله کتاب «رزا لوکزامبورگ: گوشه‌ای از تاریخ سوسیالیسم در اروپا» اثر پیتر نتل که با ترجمه عبدالحسین شریفیان ترجمه و منتشر شد، نکته مهم درباره کتاب حاضر این است که قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نوشته شده و از این‌رو، نقدهای لوکزامبورگ را بر دوران متاخر شوروی انعکاس می‌دهد. نتل می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که لوکزامبورگ چه ارتباطی می‌تواند با دورانی داشته باشد که مشغول تحریر این کتاب بود؟ مطالعه پاسخ‌های نتل در زمانه حاضر نیز چندان خالی از لطف نیست. این کتاب می‌کوشد تاریخ یک شخصیت، یک جنبش و یک عصر را بازسازی کند. یعنی زندگی لوکزامبورگ را در کنار جنبش‌ها و مبارزات سیاسی در اروپای نیمه اول قرن بیستم می‌خواند که علاوه‌بر لوکزامبورگ خواننده را با بسیاری از چهره‌های درخشان سوسیالیسم و کمونیسم آشنا می‌کند.

طریق روایت و تحلیل نتل، تقریباً بیشتر جنبش‌های کمونیستی و بلشویک‌ها با انقلاب دموکراتیک توده‌ای رادیکالی که لوکزامبورگ در نظر داشته و منادی‌اش بوده اختلاف فاحشی دارند. او مسئله را ایجاد یا رهبری انقلاب می‌داند. او ضمن ادعان به پیچیدگی دموکراسی تأکید دارد اکثر این جنبش‌های نوین، هر قدر هم دموکراتیک باشند، اساساً با دموکراسی اشتراکی در فرایند انقلابی مدنظر رزا لوکزامبورگ تفاوت دارند. باوجوداین، تمامی این جنبش‌ها را در مواردی مشترک می‌داند و تأکید دارد دقیقاً همین موارد یا عناصر «مشترک»‌اند که به نوبه خود با اندیشه انقلابی لوکزامبورگ تفاوتی فاحش دارند. ازاین‌رو، در نظر نویسنده دقیقاً فاصله تاریخی میان عصر لوکزامبورگ و دوران ما، انتقال فعالیت از غرب کاملاً صنعتی‌شده به جهان سوم توسعه‌نیافته است که به یک معنا به ما این امکان را داده تا بتوانیم با ارزش نظرات رزا لوکزامبورگ در چارچوب سنت کمونیستی منصفانه‌تر برخورد کنیم، صرف‌نظر از محدودیت‌ها یا الزامات ایدئولوژیک.

نتل می‌کوشد نشان دهد موقعیت لوکزامبورگ از جهاتی ممتاز و منحصربه‌فرد بوده است؛ او نه‌تنها نیای کمونیسم اروپایی و سا اندازهای شوروی بود، بلکه در حقیقت هم‌ب‌راه‌ا از لنین به‌شدت انتقاد کرده و هم سبب شده ناخواسته به سوسیالیست‌های دست‌راستی کمک کند تا در مارکسیسمی که از فراط واپس‌نگری‌های دیرپا اهمیت خود را از دست داده است سلاحی یافته و با آن بلشویک‌ها را بکودن. نتل نشان می‌دهد در نوشته‌هایی که سوسیال‌دموکرات‌ها درباره لوکزامبورگ نوشته‌اند، بیشتر بر دموکراسی و آزادی پافشاری شده است. او رابطه لوکزامبورگ با جوامع سوسیالیستی امروز را بیشتر به‌خاطر تأکید و نه کاربرد دقیق نظریه‌ها و عقاید لوکزامبورگ می‌داند. ازاین‌رو، مطالعه آثار او را ضروری و تلاشی می‌داند برای درگیرشدن با مسایل و مشکلاتی که دوباره، یا حتی هنوز هم، به‌رغم دگرگونی‌های انقلابی که در مسیر سوسیالیستی به وقوع می‌پیوندند. نتل اهمیت‌یافتن ناگهانی و نمایشی نوشته‌های برنامه‌ای لوکزامبورگ را در دموکراسی‌های پارلمانی غرب خنده‌آور و مسخره تلقی می‌کند و تأکید دارد این‌امر با نظریه لوکزامبورگ متفاوت است که معتقد بود مبارزه بر ضد بوروکراسی حزبی که هم در جامعه نیروی اندک دارد و هم در دولت صاحب کلام و نفوذ نیست، باید از پایین شروع شود. به باور نویسنده، آنچه لوکزامبورگ می‌خواسته ارائه دهد بیش از هرچیز انتقادی افراطی از همان جامعه صنعتی است که خود در آن می‌زیسته. نتل تأکید دارد اگر بنا باشد شورشی علیه ماهیت تحمل‌ناپذیر جامعه بورژوازی برعهده گرفته شود، آنگاه نظرات لوکزامبورگ شکل واقعی‌شان را پیدا می‌کنند.

نویسنده در این کتاب نقش لوکزامبورگ در پیش‌گویی و تسهیل حرکت شرق‌گرایانه انقلاب از غرب به سوی روسیه را تعیین‌کننده می‌داند. او در تجزیه‌وتحلیل‌هایش مشخص می‌کند که لوکزامبورگ مارکسیسم را به‌عنوان یک فلسفه تکامل صنعتی نپنداشته، بلکه برعکس، ارزیابی او از روسیه انقلابی در ۱۹۰۶-۱۹۰۵ این‌چنین بود که روسیه برای انقلابی تقریباً به مفهوم غربی آن آماده شده است. بنابراین نتیجه می‌گیرد روحیه انقلابی مثبت روسی و دکماتیسم و محافظه‌گرایی تشکیلاتی آلمانی که او مطرح می‌کرد اساساً بیشتر فرهنگی بود تا اجتماعی و اقتصادی. نتل این را درست همان نوع انقلابی می‌داند که بنا بود رخ دهد و فقط روس‌ها بودند که توانستند آن را بهتر به ثمر برسانند.

رزا لوکزامبورگ

پیتر نتل
ترجمه: عبدالحسین شریفیان
ناشر: نگاه
قیمت: ۶۶۰۰۰ تومان

رزا لوکزامبورگ

پیتر نتل

گروه اندیشه: رزا لوکزامبورگ یکی از خلاق‌ترین

شخصیت‌هایی است که تاکنون در جنبش سوسیالیستی مشارکت داشته است. او بیش از هر مارکسیست دیگری در قرن بیستم گرایش بی‌وقفه سرمایه‌داری را برای خودگستری تشریح و به‌ویژه بر پیامدهای مخرب آن برای دنیای توسعه‌نیافته به‌لحاظ فناوری تأکید کرد. نقد او از گرایش سرمایه به ناپودی محیط زیست غیرسرمایه‌داری و مخالفت شدید او با گسترش امپریالیستی در پرتو ظهور نسل جدیدی از فعالان و متفکران، امروز اهمیت جدیدی پیدا کرده است. در همان حال، مخالفت شدیدش با سازش اصلاح‌طلبانه، دسیسه‌های بوروکراسی و روش‌های سازمانی نخبه‌گرایانه از جست‌وجو برای بدیلی ضدسرمایه‌داری سخن می‌گوید که از صورت‌بندی‌های سرکوبگرانه و سلسله‌مراتبی می‌پرهیزد، صورت‌بندی‌هایی که ویژگی اکثر جنبش‌های رادیکال و تلاش‌های صد سال

گذشته برای ایجاد جوامع سوسیالیستی بوده است. پافشاری او بر نیاز به دموکراسی انقلابی پس از تصاحب قدرت، برخی از پرسش‌های بخش‌های مهمی از آثار مطرح می‌کند؛ آیا بدیلی در برابر سرمایه‌داری وجود دارد؟ آیا می‌توان گرایش سرمایه جهانی را به خودگستری بدون بازتولید پلیدی‌های بوروکراسی و توتالیتریسم متوقف کرد؟ آیا انسان‌ها می‌توانند در عصری آزاد باشند که سرمایه‌داری جهانی‌شده و تروریسم آن را تعریف می‌کنند؟ سرانجام موضوع وی به‌عنوان یک رهبر و نظریه‌پرداز زن در جنبش سوسیالیستی که عمدتاً مردان بر آن مسلط بودند، نویدبخش ارائه اندیشه‌هایی جدید درباره موضوع جنسیت و انقلاب است.

کتاب «گزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ» که در سال ۲۰۰۴ به زبان انگلیسی منتشر شد، برای نخستین‌بار گستره کامل نقش لوکزامبورگ را با گنجاندن بخش‌های مهمی از آثار اقتصادی و سیاسی او در یک مجلد نشان می‌دهد. کتاب نخستین‌بار در سال ۱۳۸۶ به همت نشر نیکا با ترجمه حسن مرتضوی منتشر شد و اکنون نشر ژرف ویراستی جدید از آن را به بازار عرضه کرده است. گردآوری این گزیده‌ها را کوین اندرسن و پیتر هودیس انجام داده‌اند. در این مجلد، چند اثر مهم لوکزامبورگ برای نخستین‌بار به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند که درباره موضوعات زیر است: ۱) تأثیر جهانی‌شدن سرمایه‌داری بر اشکال اشتراکی پیشاسرمایه‌داری سازمان اجتماعی (۲) رهایی زنان به‌عنوان بعد تام و تمام دگرگونی سوسیالیستی، و ۳) نقدهایی بر روش‌های سازمانی سلسله‌مراتبی که بخش اعظم تاریخ مارکسیسم را تعریف می‌کنند. در پیش از مقدمه مفصل و تشریحی ویراستاران بر کتاب می‌خوانیم: «یقیناً عصری که در آن رزا لوکزامبورگ می‌زیست و کار می‌کرد، نه‌تنها از لحاظ تاریخی بلکه از لحاظ مفهومی نیز با عصر ما متفاوت است. لوکزامبورگ زنده نماند تا دگرگونی انقلاب روسیه را به جامعه توتالیتری تمام‌عیار ببیند، چه رسد به فروپاشی آن. زنده نماند تا انقلاب‌های ضدامپریالیستی را در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین ببیند. همچنین زنده نماند تا انتشار مجموعه‌ای از نوشته‌های مارکس را ببیند که نسل‌های بعد را قادر ساخت درک عمیق‌تری از گستره و ژرفای اندیشه‌های او پیدا کنند. کشف دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴، گوندربسه و نوشته‌های مربوط به آخرین دهه زندگی‌اش دربار جوامع توسعه‌یافته از لحاظ فناوری همه پیش از مرگ اوست. با این‌همه، با وجود محدودیت‌های تاریخی و مفهومی دوره‌ای که رزا لوکزامبورگ می‌زیست، مفهومی از انقلاب و آزادی را تکامل بخشید که امروزه، با وجود شرایط کاملاً متفاوت برای ما قابل درک است. تفحص عمیق او به دموکراسی سوسیالیستی و آزادی انسان و مخالفت خصمانه او با بوروکراسی، مرکزیت‌گرایی و نخبه‌گرایی چالشی دائمی در برابر کسانی است که مبارزه با سرمایه‌داری را به اصلاحات تدریجی یا سازش‌های غیاصولی یا گرایش‌ات ارتجاعی محدود می‌کنند.» (ص ۲۳)

مروت‌کتاب

کتاب از پنج پاره تشکیل شده است. پاره اول «اقتصاد سیاسی، امپریالیسم و جوامع غیرغربی» دربرگیرنده فصول اول تا چهارم است. فصل اول بخش‌هایی از کتاب «انباشت سرمایه» است؛ مهم‌ترین اثر نظری رزا لوکزامبورگ که نخستین‌بار در آلمان در سال ۱۹۱۳ با عنوان فرعی «درآمدی بر تبیین امپریالیسم انتشار یافت. در این کتاب ۴۵۰ صفحه‌ای، لوکزامبورگ کوشید ریشه‌های اقتصادی امپریالیسم را با تمرکز بر مسئله بازتولید گسترده که مارکس در انتهای جلد دوم «سرمایه» مورد بحث قرار داده بود آشکار کند. لوکزامبورگ معتقد بود مارکس نتوانست شرحی کافی از بازتولید گسترده بدهد زیرا جلد دوم «سرمایه» که جامعه سرمایه‌دار بسته را فرض می‌کند که تجارت خارجی از آن کنار گذاشته شده است. در مقابل لوکزامبورگ کوشید نشان دهد که بازتولید گسترده به توانایی سرمایه‌داری برای تحقق ارزش اضافی از طریق استثمار افشار غیرسرمایه‌دار وابسته است. بنابراین «انباشت سرمایه» کوشید اثبات کند که سرمایه‌داری بنا به ماهیت خود مستلزم سلطه و استثمار جهان غیرسرمایه‌داری است و بدون آن فرو می‌پاشد. فصل دوم که درباره تجزیه کمونیسم بدوی از ژرمن‌های باستانی و اینکاها تا هند، روسیه و آفریقای جنوبی است از «مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی» گرفته شده؛ کتابی ناتمام که نگارش آن در حدود سال ۱۹۰۸ آغاز شد و بر چند گفتارهای او در مدرسه خود سوسیال‌دموکراتیک در برلین استوار بود. فصل سوم با عنوان «برده‌داری» بخشی است از مجموعه‌ای بزرگ از متون تاکنون ناشناخته از لوکزامبورگ که تا دهه ۱۹۹۰ در آرشیوهای رژیم روسیه خاک می‌خورده است و برای نخستین‌بار در شماره ۲۰۰۲ سالنامه «پژوهش تاریخی کمونیسم» منتشر شده است. لوکزامبورگ در این مقاله نقد خود را به این اعتقاد انگلس که برده‌داری در نتیجه مالکیت

اندیشه



درباره «گزیده‌هایی از رزا لوکزامبورگ»

سوسیالیسم و آزادی

لوکزامبورگ درباره اعتراض توده‌ای (با عنوان «بعد چه خواهد شد؟» خودداری کرد به این دلیل که فراخوان برای جمهوری با برنامه سوسیال‌دموکراسی در آلمان منطبق نبود. پس از رد و بدل شدن نامه‌هایی تلخ بین آن دو، کائوتسکی از موضع خود در مقاله «استراتژی جزیره کارائیبی مارتینیک نوشته علاقه او به رویدادهای جدید» دفاع و در آن این استدلال را مطرح کرد که سوسیال‌دموکراسی آلمان باید استراتژی فراسیاهی را پیش بگیرد و نه آنکه مستقیماً به دولت حمله کند. پاسخ نند لوکزامبورگ به کائوتسکی، که در این فصل چهار بخش نخست آن آمده دیدگاه او را نسبت به رابطه جدید خودانگیختگی و سازمان در مواجهه با مخالفت روبه‌رشد رهبران سوسیال‌دموکراسی آلمان نشان می‌دهد. مجادله وی با کائوتسکی در سال ۱۹۱۰ حکایت از بحرانی داشت که چند سال بعد بین‌الملل دوم را در آغاز جنگ جهانی اول بارپاره کرد. فصل نهم «نوشته‌هایی درباره زنان» است. با اینکه لوکزامبورگ مدافع راسخ جنبش‌های رهایی زنان کارگر در سراسر زندگی‌اش بود، نقش او در مسائل زنان به این دلیل نامشخص بود که در پشت صحنه و از طریق دوست نزدیکش، کلارا زتکین، کار می‌کرد. زتکین رهبر جنبش زنان سوسیال‌دموکراتیک آلمان و سردیر «برابری» بود، روزنامه‌ای که به طور گسترده پخش می‌شد. لوکزامبورگ حسی پرشور از درهم‌تنیدگی آزادی زنان و آزادی طبقه کارگر داشت. این فصل با مقاله «مسئله‌ای تاکتیکی» آغاز می‌شود که حمله کرده لوکزامبورگ در سال ۱۹۰۲ به سوسیال‌دموکرات‌های اصلاح‌طلب بلژیکی است. آنها به طرح اجماعی تاریخی تحت‌انخاباتی، پذیرفتند تا خواست خود را برای حق رأی عمومی زنان کنار گذارند. در این مقاله لوکزامبورگ می‌نویسد که پیگیری حق رأی زنان نه تنها کل جامعه بلکه تبعیض جنسی «خفقان‌آور» حاکم در میان رهبران و اعضای عادی جنبش را به لژه می‌آورد. خطایی به ۱۹۰۷ به کنفرانس زنان سوسیالیست بین‌الملل درباره مجمع زنان و حفظ موجودیت مستقل آن است. سخنرانی سال ۱۹۱۲ درباره «حق رأی زنان و مبارزه طبقاتی» با استدلال قوی به حمایت از تداوم استقلال جنبش زنان کارگر از انجمن‌های زنان طبقه متوسط آلمان می‌پردازد. سرانجام، مقاله ۱۹۱۴، «زنان و پرولتری» که برای روز بین‌المللی زن نوشته شده بود، طرح اجماعی تاریخی تحت‌انخاباتی است از ستم بر زنان کارگر و مقاومت آنان، چه در کشورهای صنعتی و چه در آفریقا و آمریکای لاتین که زنان برای زندگی خود به مبارزه با بربریت استعمار و سرمایه‌داری می‌پردازند.

مجادله با لنین

پاره سوم کتاب عمدتاً درباره رابطه حزب و جنبش در انقلاب روسیه است. «خودانگیختگی، سازمان و دموکراسی در مجادله با لنین» عنوان این پاره است. در سال ۱۹۰۴ رزا لوکزامبورگ را متخصص اصلی لهستان و روسیه در کل بین‌الملل دوم می‌دانستند. به دلیل همین توانایی بود که سردیربان «ایسکرا»، مجله منشویکی مارکسیسم روسی از وی خواستند تا جدایی بین منشویک‌ها و بلشویک‌ها را در حزب سوسیال‌دموکراتیک روسیه در ۱۹۰۳ تحلیل کند. وی تحلیل خود را به زبان آلمانی در «نویه سایت» در سال ۱۹۰۴ با آلمان با عنوان «مسائل سازمانی سوسیال‌دموکراسی روسیه» منتشر کرد که در فصل دهم آمده است. این مقاله شامل یکی از مهم‌ترین نقدهای وی از نظریه سازمانی لنین است. گرچه بعدها که با نقد او پاسخ داد، اما روشن نیست که لوکزامبورگ آن را دیده باشد زیرا کائوتسکی از انتشار پاسخ لنین در «نویه سایت» خودداری کرد. لوکزامبورگ با وجود نقد تندتیز از «مرکزیت‌گرایی» سازمانی لنین، با او در بسیاری از بزنگاه‌ها در مابقی زندگی‌اش، به‌ویژه پس از انقلاب ۱۹۰۵، رابطه نزدیکی داشت.

فصل یازدهم «سوسیال‌دموکراسی روسیه» وضعیت سوسیال‌دموکراسی روسیه است. این مقاله که دستنویس آن به لهستانی بوده و در زمان حیات لوکزامبورگ انتشار نیافت در ۱۹۱۱ نوشته شد، یعنی هنگامی که شکاف بین منشویک‌ها و بلشویک‌ها برکشت‌ناپذیر شده بود. لوکزامبورگ در این مقاله، که در مکتوبات خصوصی‌اش از آن به نام «مرنامسه» یاد می‌کرد، به انتقاد گسترده‌ای از گرایش‌های گوناگون در مارکسیسم روسی می‌پردازد و در دفاع از وحدت حزبی با وجود اختلافات استدلال می‌کند. با اینکه لوکزامبورگ

آشکارا همبستگی بیشتر خود را با لنین و بلشویک‌ها نشان می‌دهد تا منشویک‌ها یا تروتسکی با روش‌های سازمانی لنین نیز مخالف است. به این معنا، این مقاله در کنار مقاله ۱۹۰۴ درباره سازمان و مقاله ۱۹۱۸ درباره انقلاب روسیه، سومین نقد او از لنین به شمار می‌آید. دوره‌ای که این مقاله نوشته شد به‌ویژه دوره ملامتی برای مارکسیسم آلمانی نیز بود. چند هفته پیش از نگارش آن، لوکزامبورگ علناً از کائوتسکی و رهبری سوسیال‌دموکراسی آلمان به دلیل عدم مخالفت با طرح‌های امپریالیستی آلمان در مورد مراکش انتقاد کرده بود و به این دلیل او را به نقض انضباط حزبی متهم کرده بود. فصل دوازدهم، مقاله «انقلاب روسیه» است. لوکزامبورگ این مقاله را در سپتامبر ۱۹۱۸ و زمانی نوشت که به دلیل مخالفت با جنگ جهانی اول زندانی بود. وی ابتدا قصد داشت این نوشته توسط رفقاییش در اتحادیه اسپارتاکوس که در سال ۱۹۱۶ توسط انقلابیون مخالف آلمانی تشکیل شده بود انتشار یابد اما این اثر هنگام رهایی او از زندان در نوامبر ۱۹۱۸ ناتمام باقی مانده بود و تا زمانی که زنده بود انتشار نیافت. «انقلاب روسیه» بیانگر جامع‌ترین ارزیابی لوکزامبورگ از دستاوردها و محدودیت‌های انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ و دفاع مشروح وی از ضرورت دموکراسی انقلابی پس از کسب قدرت است.

پاره چهارم «مخالفت با جنگ جهانی تا واقعیت انقلاب» است. فصل سیزدهم «جزوه جونوس: بحران در سوسیال دمکراسی آلمان» است که لوکزامبورگ در ۱۹۱۵ از درون زندان با نام مستعار «جونوس» (نامی که برای امضای مقالات اصلی سیاسی در مطبوعات آلمانی در دهه ۱۷۶۰ استفاده می‌شد) نوشت و آن را مخفیانه از اروپای از زندان فرستاد. نقد او فروپاشی سوسیالیسم در مواجهه با جنگ جهانی در جهت‌گیری مجدد اندیشه کسانی که در جست‌وجوی راهی برای شکل دادن دوباره به دیدگاه‌های انقلابی مارکسیستی بودند تأثیر چشمگیری گذاشت. لنین از جمله انتزانیسوانیست‌هایی بود که کمی پس از انتشار این جزوه با نظر مساعد آن را تفسیر کرد، هرچند ا این مخالفت این جزوه با حق تعیین سرنوشت ملی انتقاد کرده بود. بسیاری از اندیشه‌های این نقد به بنیاد دیدگاه‌های سیاسی اتحادیه اسپارتاکوس و چپ رادیکال آلمان در شورش‌های انقلابی سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۹ بدل شد.

آخرین نوشته‌ها

فصل نوزدهم سخنرانی‌ها و نامه‌ها درباره جنگ و انقلاب، طی سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۹ است. تنها دو ماه بین رهایی لوکزامبورگ از زندان در نوامبر ۱۹۱۸ و قتل او به دنبال شکست قیام مسلحانه اتحادیه اسپارتاکوس فاصله است. این دو ماه بیانگر مهم‌ترین و خلاق‌ترین لحظات زندگی لوکزامبورگ است چراکه خود را به گرداب سیاسی انقلاب ۱۹۱۸ آلمان و پیامدهای آن انداخت. شوراهای کارگران و سربازان در سراسر کشور ظهور کردند، بسیاری از آنها می‌کوشیدند تا انقلاب را فراتر از چارچوب‌های سوسیال‌دموکرات‌های اصلاح‌طلب پیش ببرند که اکنون بخشی از حکومت را تشکیل می‌دادند. در فصل نوزدهم پنج نوشته از این دوره کوتاه آمده که بیشتر تلاش رزا لوکزامبورگ را در تدارک برای انقلاب اجتماعی در آن دوره نشان می‌دهد. نخستین نوشته با عنوان «آغاز» کمی پس از آزادی لوکزامبورگ از زندان انتشار یافت. دومین نوشته، «سوسیالیستی‌کردن جامعه»، یکی از کامل‌ترین بحث‌های لوکزامبورگ را دربراره ماهیت جوامع پسامریمه‌داری در بر می‌گیرد. سومین نوشته، «اتحادیه اسپارتاکوس چه می‌خواهد؟» در دسامبر ۱۹۱۸ انتشار یافت. چهارمین مقاله، «برنامه ما و وضعیت سیاسی»، نقظی است که لوکزامبورگ در کنفرانس بنیان‌گذاری حزب کمونیست آلمان ایراد کرد. پنجمین نوشته، «نظم در برلین حاکم است»، پس از شکست شورش اتحادیه اسپارتاکوس و اخفضای اجباری لوکزامبورگ نوشته شده است. این آخرین کلماتی است که به قلم او در اختیار داریم؛ او و لیبکنشت را اعضای سایه‌بان آزاد، از نخستین سازمان‌های فاقیستی، یک روز بعد از نگارش این مقاله در ۱۵ ژانویه دستگیر کردند و همان روز هر دو را بی‌رحمانه به قتل رساندند. جسد از ریخت‌افتاده لوکزامبورگ را تنها چند ماه بعد کشف کردند.

رزا در سراسر زندگی‌اش نامه‌نگاری فعال و پرشور بود. در این نامه‌ها پرسش‌های مهم تاریخی که کانون توجه نوشته‌ها و سخنرانی‌های عمومی‌اش بوده به چشم می‌خورد. اما همچنین جنبه دیگری از وجودش را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه رویدادهای سیاسی و اجتماعی نگاه آگاه داشته‌اند و در مناسبات شخصی‌اش ترکیب خاصی از شور و شوق و اصول را وارد می‌کرده است. عنوان پاره پنجم «همچون غرش تندر» کلنجی از مکاتبات رزا لوکزامبورگ از درون زندان خطاب به همسرش لئو بوکیشس، کلارا زتکین و… است. در فرازی یکی از این نامه‌ها خطاب به امانوئل و مائیلده وورم از فعالان سوسیال‌دموکراسی آلمان به تاریخ مه ۱۹۱۷ می‌خوانیم: «جسم و روان توده‌ها چون دریایی ابدی، همیشه امکانات نهفته‌ای را دربر دارد؛ آرامشی مرگ‌بار تا توانایی غران، پایین‌ترین حد بزدلی و شورانگیزترین قهرمانی. توده‌ها همیشه همان هستند که بنا به اوضاع و احوال زمانه باید باشند و توده‌ها همیشه در حال تبدیل‌شدن به چیزی هستند کاملاً متفاوت از آنچه به نظر می‌رسند. نویدی توده‌ها همیشه برای رهبری سیاسی گواهی است شرم‌آور، رهبری بزرگ هرگز تاکتیک‌های خود را با حالت روحی لحظه‌ای توده‌ها تنظیم نمی‌کند بلکه به قوانین آهنبین تکامل اقتدا می‌کند؛ او به رغم تمامی «نومیدی‌ها» پای تاکتیک‌های خود می‌ماند و در مورد بقیه مسائل به آرامی اجازه می‌دهد تا تاریخ کار خود را به یختگی برساند.»

بررسی

آخرین مبارزات لنین

● لنین در ماه‌های آخر زندگی‌اش، از اواخر سپتامبر ۱۹۲۲ تا اوایل مارس ۱۹۲۳، در درون رهبری حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، نبردی سیاسی آغاز کرد، نبردی بر سر اینکه آیا حزب همچنان مسیر سیاسی پیروزمندی را که کارگران و دهقانان را تحت رهبری بلشویک‌ها پنج سال پیش در درامد ناشی از سابق تزارها به قدرت رسانده بود، ادامه خواهد داد یا نه. این نبرد، آخرین نبرد سیاسی لنین بود. لنین در آن ماه‌ها می‌نگیدت تا موافقت رهبری حزب را برای اجرای پیشنهادات مشخصی به دست آورد که زندگی ده‌ها میلیون انسان را تحت‌تأثیر قرار می‌داد: کنترل جمهوری شوروی بر درآمد ناشی از تجارت واردات و صادرات، ایجاد تغییرات ساختاری برای تسهیل در بهبود ترکیب طبقاتی دولت و بدنه‌های حزبی، متحول‌ساختن سازمان تولید و مبادله محصولات کشاورزی، برداشتن قدم‌های ویژه به منظور تأمین تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و ملیت‌هایی که پیش از آن تحت ستمت امپراطوری تزار قرار داشتند، ارتقای اولویت سیاسی سوادآموزی و مدارس و افزایش بودجه آنها به‌عنوان جزئی از تلاش‌های گسترده‌تر برای گشودن دروازه‌های تحصیل و فرهنگ به روی زحمتکشان و کادرهای حزبی حزب و بدنه‌های حکومت، برخورد با اعضای حزب و همکاران به‌عنوان حکم پیش‌شخصی صریح و بدون ابهام برای تصدی مناصب رهبری. بااین‌حال، محور این نبرد در وهله اول، سیاست‌های اقتصادی یا شیوه‌های مدیریت نبود. بلکه نبردی سیاسی بر سر تعیین مسیر طبقاتی جمهوری شوروی و حزب کمونیست بود. لنین در مارس ۱۹۲۲ این سوال را مطرح کرد که پیروزی از آن کیست؟ آیا کارگران و دهقانان، که تازه از درون سال‌ها جنگ، بیرانی و تحلیلی بیرون آمده بودند، می‌توانستند جلوی جهان سرمایه‌داری متخاصمی که جمهوری شوروی را احاطه کرده بود بگیرند؟ از همه مهم‌تر، آیا آن‌ها تحت آن شرایط می‌توانستند در داخل کشور بر افشار بورژوازی که سر برهون می‌آوردند و وابستگی‌شان در درون دولت و دستگاه حزب کمونیست چیره شوند؟ در نهایت نبرد لنین به پیروزی ختم نشد. ویرانی ناشی از جنگ داخلی، مهم‌تر از همه، مرگ و فرسودگی سیاسی طیف گسترده‌ای از آگاه‌ترین و ارخودگشته‌ترین کادرهای حزب که درعین‌حال با شکست مبارزات انقلابی در سراسر اروپا و آسیا ترکیب شده بود، در شکست این نبرد بسیار مؤثر بودند.

به تازگی به همت نشر طلايه پرسو گزارش‌ها، مقالات و نامه‌هایی را که لنین از طریق آن‌ها نبرد سیاسی‌اش را پیش برد ترجمه و منتشر شده است. فاصله است. این دو ماه بیانگر مهم‌ترین و خلاق‌ترین لحظات زندگی لوکزامبورگ است چراکه خود را به گرداب سیاسی انقلاب ۱۹۱۸ آلمان و پیامدهای آن انداخت. شوراهای کارگران و سربازان در سراسر کشور ظهور کردند، بسیاری از آنها می‌کوشیدند تا انقلاب را فراتر از چارچوب‌های سوسیال‌دموکرات‌های اصلاح‌طلب پیش ببرند که اکنون بخشی از حکومت را تشکیل می‌دادند. در فصل نوزدهم پنج نوشته از این دوره کوتاه آمده که بیشتر تلاش رزا لوکزامبورگ را در تدارک برای انقلاب اجتماعی در آن دوره نشان می‌دهد. نخستین نوشته با عنوان «آغاز» کمی پس از آزادی لوکزامبورگ از زندان انتشار یافت. دومین نوشته، «سوسیالیستی‌کردن جامعه»، یکی از کامل‌ترین بحث‌های لوکزامبورگ را دربراره ماهیت جوامع پسامریمه‌داری در بر می‌گیرد. سومین نوشته، «اتحادیه اسپارتاکوس چه می‌خواهد؟» در دسامبر ۱۹۱۸ انتشار یافت. چهارمین مقاله، «برنامه ما و وضعیت سیاسی»، نقظی است که لوکزامبورگ در کنفرانس بنیان‌گذاری حزب کمونیست آلمان ایراد کرد. پنجمین نوشته، «نظم در برلین حاکم است»، پس از شکست شورش اتحادیه اسپارتاکوس و اخفضای اجباری لوکزامبورگ نوشته شده است. این آخرین کلماتی است که به قلم او در اختیار داریم؛ او و لیبکنشت را اعضای سایه‌بان آزاد، از نخستین سازمان‌های فاقیستی، یک روز بعد از نگارش این مقاله در ۱۵ ژانویه دستگیر کردند و همان روز هر دو را بی‌رحمانه به قتل رساندند. جسد از ریخت‌افتاده لوکزامبورگ را تنها چند ماه بعد کشف کردند.

رزا در سراسر زندگی‌اش نامه‌نگاری فعال و پرشور بود. در این نامه‌ها پرسش‌های مهم تاریخی که کانون توجه نوشته‌ها و سخنرانی‌های عمومی‌اش بوده به چشم می‌خورد. اما همچنین جنبه دیگری از وجودش را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه رویدادهای سیاسی و اجتماعی نگاه آگاه داشته‌اند و در مناسبات شخصی‌اش ترکیب خاصی از شور و شوق و اصول را وارد می‌کرده است. عنوان پاره پنجم «همچون غرش تندر» کلنجی از مکاتبات رزا لوکزامبورگ از درون زندان خطاب به همسرش لئو بوکیشس، کلارا زتکین و… است. در فرازی یکی از این نامه‌ها خطاب به امانوئل و مائیلده وورم از فعالان سوسیال‌دموکراسی آلمان به تاریخ مه ۱۹۱۷ می‌خوانیم: «جسم و روان توده‌ها چون دریایی ابدی، همیشه امکانات نهفته‌ای را دربر دارد؛ آرامشی مرگ‌بار تا توانایی غران، پایین‌ترین حد بزدلی و شورانگیزترین قهرمانی. توده‌ها همیشه همان هستند که بنا به اوضاع و احوال زمانه باید باشند و توده‌ها همیشه در حال تبدیل‌شدن به چیزی هستند کاملاً متفاوت از آنچه به نظر می‌رسند. نویدی توده‌ها همیشه برای رهبری سیاسی گواهی است شرم‌آور، رهبری بزرگ هرگز تاکتیک‌های خود را با حالت روحی لحظه‌ای توده‌ها تنظیم نمی‌کند بلکه به قوانین آهنبین تکامل اقتدا می‌کند؛ او به رغم تمامی «نومیدی‌ها» پای تاکتیک‌های خود می‌ماند و در مورد بقیه مسائل به آرامی اجازه می‌دهد تا تاریخ کار خود را به یختگی برساند.»

آخرین نبرد لنین

سخنرانی‌ها و مجموعه‌مقالات لنین (۱۹۲۳-۱۹۲۲)
ترجمه: حامد شمس
ناشر: طلايه پرسو
چاپ اول: ۱۳۹۷
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

آخرین سخنرین لنین

پیتر نتل